

رساله یعقوب رسول

معرفی رساله

این نامه یعقوب که برادر عیسی مسیح و رهبر کلیسای اورشلیم بود، به تمام پیروان خدا در سراسر جهان نوشته شده است.

نویسنده در این نامه به کسانی که به عیسی مسیح ایمان آورده بودند، می نویسد: کافی نیست یک شخص ادعا کند که به خدا ایمان دارد و مسیحی است، بلکه لازم است او این ادعای خود را در رفتار و عمل زندگی مسیحی خود نیز ثابت سازد. یعقوب رسول به صورت واضح و روشن به توضیح راه‌های عملی رفتار مسیحی مثل ثروت، فقر، وسوسه، رفتار نیک، تعصب، ایمان و عمل، به کار بردن زبان، حکمت، اختلافات، تکبر، فروتنی، قضاوت کردن دیگران می پردازد.

نویسنده بر این نکته تأکید می کند که ایمان با عمل برای دینداری بی ریا و پاک بسیار مهم است و ثمر آن در درخت زندگی می تواند مشاهده شود.

فهرست موضوعها:

مقدمه: فصل ۱ : ۱

ایمان و حکمت: فصل ۱ : ۲ - ۸

فقر و ثروت: فصل ۱ : ۹ - ۱۱

وسوسه و آزمایش: فصل ۱ : ۱۲ - ۱۸

شنیدن و عمل کردن: فصل ۱ : ۱۹ - ۲۷

هوشدار در مورد تبعیض: فصل ۲ : ۱ - ۱۳

ایمان و عمل: فصل ۲ : ۱۴ - ۲۶

زبان مسیحی: فصل ۳

مسیحیان و جهان: فصل ۴: ۱ - ۵: ۶

دستورات گوناگون: فصل ۵: ۷ - ۲۰

۱ یعقوب بنده خدا و بنده عیسی مسیح خداوند به دوازده طایفه اسرائیل که در سراسر عالم پراکنده اند، سلام می فرستد.

ایمان و حکمت

۲ ای برادران من، هرگاه دچار آزمایش های گوناگون می شوید، بی نهایت شاد باشید،^۳ چون می دانید اگر خلوص ایمان شما در آزمایش ثابت شود، بردباری شما بیشتر می شود؛^۴ و وقتی بردباری شما کامل شود، شما انسان های کامل و بی نقصی شده و به چیزی محتاج نخواهید بود.^۵ اگر کسی از شما بدون حکمت باشد، آنرا از خدا بخواهد و خدایی که همه چیز را با سخاوت می بخشد و انسان را سرزنش نمی کند، آنرا به او خواهد داد.^۶ اما او باید با ایمان بخواهد و در فکر خود شک نداشته باشد، چون کسی که شک کند مانند موج بحر است که در برابر باد رانده و متلاطم می شود.^۷ چنین شخصی نباید گمان کند که از خداوند چیزی خواهد یافت،^۸ چون شخص دو دل در تمام کارهای خود ناپایدار است.

فقر و ثروت

۹ برادر مسکین به سرافرازی خود در برابر خدا فخر کند^{۱۰} و برادر ثروتمند نیز از ناچیزی خود، زیرا او مانند گلِ علف زودگذر است.^{۱۱} همین که آفتاب با گرمای سوزان خود بر آن می درخشد علف را می خشکاند، گل آن می ریزد و زیبایی آن از بین می رود. شخص دولتمند نیز همینطور در میان فعالیت های خود از بین می رود.

آزمایش و وسوسه

^{۱۲} خوشا به حال کسی که در برابر وسوسه از پای در نیاید، زیرا وقتی آزموده شود، تاج زندگی را که خداوند به دوستداران خود وعده داده است، خواهد گرفت. ^{۱۳} کسی که گرفتار وسوسه می‌شود، نباید بگوید: «خداوند مرا به وسوسه انداخته است» چون خداوند از بدی مبرا است و کسی را به وسوسه نمی‌اندازد. ^{۱۴} انسان وقتی دچار وسوسه می‌شود که مجذوب و فریفته شهوات خود باشد. ^{۱۵} در نتیجه، شهوت حامله می‌شود و گناه را تولید می‌کند و وقتی گناه کاملاً رشد کرد، باعث مرگ می‌شود.

^{۱۶} ای برادران عزیز من، خود را فریب ندهید. ^{۱۷} تمام بخشش‌های نیکو و هدایای کامل از آسمان و از جانب خدایی می‌آید که آفریننده نور است و در او تغییر و تیرگی وجود ندارد. ^{۱۸} او بنا به اراده خود و به وسیله کلمه حقیقت ما را آفرید تا ما نمونه‌ای از خلقت تازه او باشیم.

شنیدن و انجام دادن

^{۱۹} بنابراین ای برادران عزیز من، هرکس باید زود بشنود، دیر جواب دهد و دیر عصبانی شود. ^{۲۰} چون عصبانیت انسان به هدف‌های نیکوی خدا کمک نمی‌کند. ^{۲۱} پس هر نوع عادت ناشایست و رفتار شرارت‌آمیز را از خود دور کنید. خود را به خدا بسپارید و کلامی را که او در دل‌های شما کاشته و می‌تواند شما را نجات بخشد، با فروتنی بپذیرید.

^{۲۲} مطابق کلام او عمل کنید و فقط با شنیدن خود را فریب ندهید، ^{۲۳} چون کسی که به کلام گوش می‌دهد ولی مطابق آن عمل نمی‌کند، مانند کسی است که به آینه نگاه می‌کند و چهره طبیعی خود را در آن می‌بیند. ^{۲۴} او خود را می‌بیند ولی همین که از پیش آینه دور می‌شود، فراموش می‌کند که چهره‌اش چگونه بود. ^{۲۵} اما کسی که با دقت به شریعت کامل و آزادی بخش نگاه کند و همیشه متوجه آن باشد و شنونده فراموشکاری نباشد بلکه مطابق آن رفتار کند،

خداوند تمام کارهای او را برکت خواهد داد.^{۲۶} اگر کسی گمان می‌کند که آدم دینداری است ولی زبان خود را نگاه نمی‌دارد، خود را فریب می‌دهد و ایمان او بی‌فایده است.^{۲۷} دیانت پاک و بی‌آلایش در برابر خدای پدر این است که وقتی یتیمان و بیوه زنان دچار مصیبت می‌شوند، از آن‌ها توجه کنیم و خود را از فساد دنیا دور نگهداریم.

تعصبات و تبعیضات

^۲ ای برادران، ایمان شما به عیسی مسیح، خداوند جلال با ظاهر بینی و تبعیض همراه نباشد.
^۲ اگر شخصی با انگشتر طلا و لباس فاخر به عبادتگاه شما بیاید و فقیری با لباس پاره نیز وارد شود^۳ و شما به کسی که لباس فاخر دارد احترام بگذارید و به او بگوئید: «بفرمائید بالا بنشینید» و به آن شخص فقیر بگوئید: «در آنجا بایست یا در اینجا روی زمین پیش پای من بنشین.»^۴ آیا با این عمل در بین خود تبعیض قایل نمی‌شوید و آیا قضاوت شما از روی فکرهای پلید نیست؟

^۵ ای برادران عزیز گوش دهید، مگر خدا فقیران این دنیا را بر نگزیده است تا در ایمان دولتمند و وارث آن پادشاهی ای باشند، که او به دوستداران خود وعده داده است؟^۶ اما شما به فقرا بی‌احترامی می‌کنید. آیا دولتمندان به شما ظلم نمی‌کنند و شما را به پای میز محاکمه نمی‌کشند؟^۷ و آیا آن‌ها به نام نیکویی که خدا بر شما نهاده است، بی‌حرمتی نمی‌کنند؟

^۸ اگر شما حکم شاهانه‌ای را که در کلام خداست و می‌فرماید: «همسایه‌ات را همچون خویشتن دوست بدار.» بجا آورید، کاری نیکو کرده‌اید.^۹ اما اگر بین اشخاص از روی ظاهر آن‌ها تبعیض قایل شوید، مرتکب گناه شده‌اید و شریعت، شما را به عنوان خطا کار محکوم می‌نماید.
^{۱۰} چون اگر کسی تمام شریعت را رعایت کند و فقط یکی از احکام آن را بشکند باز هم در مقابل تمام شریعت مقصر است.^{۱۱} زیرا همان کسی که گفت: «زنا نکن» همچنین گفته است: «قتل نکن» پس اگر تو از زنا پاک باشی ولی مرتکب قتل شوی باز هم شریعت را شکسته‌ای.

^{۱۲} مانند کسانی سخن گوئید و عمل نمائید که خداوند بر اساس این شریعت آزادی بخش، درباره آن‌ها قضاوت می‌کند. ^{۱۳} چون خدا بر کسی که رحم نکرده، رحیم نخواهد بود، ولی همیشه رحمت بر داوری کامیاب خواهد شد.

ایمان و عمل

^{۱۴} ای برادران، چه فایده دارد اگر کسی بگوید: «من ایمان دارم.» ولی عمل او این را ثابت نکند؟ آیا ایمانش می‌تواند او را نجات بخشد؟ ^{۱۵} پس اگر برادری یا خواهری که برهنه و محتاج غذای روزانه خود باشد پیش شما بیاید ^{۱۶} و یکی از شما به ایشان بگوید: «بسلامت بروید و گرم و سیر شوید.» چه چیزی فایده آن‌ها می‌شود؟ هیچ، مگر آنکه احتیاجات مادی آن‌ها را برآورید. ^{۱۷} همین‌طور ایمانی که با عمل همراه نباشد، مُرده است.

^{۱۸} ممکن است کسی بگوید: «تو ایمان داری و من اعمال نیکو، تو به من ثابت کن چگونه می‌توانی بدون اعمال نیک ایمان داشته باشی و من ایمان خود را به وسیلهٔ اعمال خویش به تو ثابت می‌کنم.» ^{۱۹} تو ایمان داری که خدا واحد است، بسیار خوب! - شیاطین هم ایمان دارند و از ترس می‌لرزند. ^{۲۰} ای مرد نادان، آیا نمی‌دانی که ایمان بدون اعمال نیک بی‌ثمر است؟ ^{۲۱} پدر ما ابراهیم به خاطر اعمال خود در وقتی که پسر خویش اسحاق را در قربانگاه تقدیم خدا کرد، نیک و عادل شمرده شد. ^{۲۲} می‌بینی که چگونه ایمان او محرک اعمال او بود و اعمال او نیز ایمانش را کامل گردانید. ^{۲۳} کلام خدا که می‌فرماید: «ابراهیم به خدا ایمان آورد و این برایش عدالت شمرده شد.» تحقق یافت و او دوست خدا خوانده شد. ^{۲۴} پس می‌بینید که چگونه انسان نه فقط از راه ایمان بلکه به وسیلهٔ اعمال خود عادل شمرده می‌شود. ^{۲۵} همین‌طور راحاب فاحشه نیز با اعمال نیک خود یعنی پناه دادن به قاصدان اسرائیلی و روانه کردن آن‌ها از راه دیگر، عادل شمرده شد. ^{۲۶} ایمان بی‌عمل مانند بدن بی‌روح، مرده است.

^۳ ای برادران من، درست نیست که بسیاری از شما در کلیسا معلم باشید، چون می دانید که روز داوری برای ما معلمین سخت تر خواهد بود. ^۲ همه ما در چیزهای زیاد مرتکب خطایابی می شویم و کسی که در سخن گفتن خطا نکند، مرد کاملی است و می تواند تمام وجود خود را اداره کند. ^۳ ما به دهان اسپان دهنه می زنیم تا مطیع ما شوند و به این وسیله تمام بدن آن ها را به هر طرف که بخواهیم می گردانیم. ^۴ همچنین می توان کشتی های بسیار بزرگ را که از بادهای سخت رانده می شوند، با استفاده از سُکان بسیار کوچکی مهار کرد و به هر جا که ناخدا بخواهد، هدایت نمود. ^۵ زبان هم همین طور است: گرچه عضو کوچکی است، اما ادعاهای بزرگ دارد. چه جنگلهای بزرگ که با جرقه ای، آتش می گیرند. ^۶ زبان هم آتش است! در میان تمام اعضای بدن ما زبان دنیایی از شرارت است که همه وجود ما را آلوده می سازد و دوران زندگی را به جهنم سوزانی مبدل می کند. ^۷ انسان توانسته است و باز هم می تواند تمام حیوانات وحشی و پرندگان و خزندگان و ماهیان را رام کند. ^۸ ولی هیچکس هرگز نتوانسته است زبان را تحت فرمان خود نگه دارد. زبان، شیر و رام نشدنی و پُر از زهر کشنده است. ^۹ ما با آن، هم خداوند و پدر را حمد و سپاس می گوئیم و هم انسان را که به صورت خدا آفریده شده است، دشنام می دهیم. ^{۱۰} از یک دهان هم شکر و سپاس شنیده می شود و هم دشنام! ای برادران، این کار درست نیست. ^{۱۱} آیا یک چشمه می تواند از یک شکاف هم آب شیرین و هم آب شور جاری سازد؟ ^{۱۲} ای برادران، آیا درخت انجیر می تواند زیتون و یا درخت انگور، انجیر به بار آورد، همین طور چشمه آب شور هم نمی تواند از خود آب شیرین جاری سازد.

حکمت آسمانی

^{۱۳} در میان شما چه کسی عاقل و فهیم است؟ او باید با زندگی و اعمال نیک خود که با تواضع حکمت همراه باشد، آن را نشان دهد. ^{۱۴} اما اگر شما حسود و تندخو و خودخواه هستید، از آن فخر نکنید و بر خلاف حقیقت دروغ نگوئید. ^{۱۵} این حکمت از عالم بالا نیست. این حکمتی

است دنیوی، نفسانی و شیطانی.^{۱۶} چون هر جا حسد و خودخواهی هست، در آنجا بی‌نظمی و هر نوع شرارت است.^{۱۷} اما حکمتی که از عالم بالا است اول پاک، بعد صلح‌جو، باگذشت، مهربان، پُر از شفقت و ثمرات نیکو، بی‌غرض و بی‌ریاست.^{۱۸} نیکی و عدالت میوهٔ بذرهایی است که به دست صالحان در صلح و صفا کاشته می‌شود.

علاقه به مادیات

۴ علت نزاع‌ها و دعواهایی که در میان شما وجود دارد چیست؟ آیا علت آن‌ها خواهش‌های نفسانی شما نیست، خواهش‌هایی که در تمام اعضای بدن شما در جنگ و ستیز هستند؟^۲ شما به چیزهایی که ندارید، چشم می‌دوزید و برای آن حاضرید دیگران را بکشید. حسد می‌ورزید، ولی نمی‌توانید آنچه را که می‌خواهید به دست آورید، پس با یکدیگر به جنگ و نزاع می‌پردازید. شما آنچه را که می‌خواهید ندارید چون آن را از خدا نخواستید.^۳ اگر از خدا هم بخواهید، دیگر حاجت شما برآورده نمی‌شود، چون با نیت بد و به منظور ارضای هوسهای خود آن را می‌طلبید.^۴ ای مردمان خطاکار و بی‌وفا، آیا نمی‌دانید که دل‌بستگی به این دنیا دشمنی با خداست؟ هر که بخواهد دنیا را دوست داشته باشد، خود را دشمن خدا می‌گرداند.^۵ آیا گمان می‌کنید کلام خدا بی‌معنی است، وقتی می‌فرماید: «خدا به آن روحی که خود در دل انسان قرار داده، به شدت علاقه دارد و نمی‌تواند تمایل انسان را به چیزی جز خود تحمل نماید؟»^۶ اما فیضی که خدا می‌بخشد از این هم بیشتر است، چون کلام او می‌فرماید: «خدا با متکبران مخالفت می‌کند، اما به فروتنان فیض می‌بخشد.»

۷ پس از خدا اطاعت کنید و در مقابل ابلیس مقاومت نمائید تا از شما بگریزد.^۸ خود را به خدا نزدیک سازید که او نیز به شما نزدیک خواهد شد. ای گناهکاران، دستهای خود را بشوئید. ای ریاکاران، دل‌های خود را پاک سازید،^۹ ماتم بگیرید و گریه و ناله کنید. خندهٔ شما به گریه و خوشی شما به غم مبدل شود.^{۱۰} در پیشگاه خدا خود را فروتن سازید و او شما را سرافراز

داوری نسبت به برادر

^{۱۱} ای برادران، از یکدیگر بد نگوئید. کسی که به برادر خود بد بگوئید و یا نسبت به او داوری کند، در واقع از شریعت بد گفته و آن را محکوم ساخته است. اگر نسبت به شریعت داوری کنی تو داور شریعت شده‌ای و نه بجا آورنده آن. ^{۱۲} دهنده شریعت و داور یکی است، یعنی همان کسی که قادر است انسان را نجات بخشد یا نابود سازد. پس تو کیستی که درباره همسایه خود داوری می‌کنی؟

لاف زدن

^{۱۳} ای کسانی که می‌گوئید: «امروز یا فردا به فلان شهر می‌رویم و در آنجا تجارت می‌کنیم و سود فراوان می‌بریم.» ^{۱۴} ولی نمی‌دانید فردا چه خواهد شد. زندگی شما مثل بخاری است که لحظه‌ای دیده می‌شود و بعد از بین می‌رود. ^{۱۵} در عوض آن، شما باید بگوئید: «اگر خدا بخواهد ما زنده می‌مانیم تا چنین و چنان کنیم.» ^{۱۶} شما از خودستایی لذت می‌برید و این صحیح نیست. ^{۱۷} بنابراین کسی که بداند نیکی چیست و نیکی نکند، گناه کرده است.

اخطار به ثروتمندان

^۱ و شما ای ثروتمندان، برای بلایایی که بر سر شما می‌آید گریه و زاری کنید. ^۲ ثروت شما تباه گشته و لباس‌های زیبای تان را کویه خورده است. ^۳ طلا و نقره شما زنگ زده و زنگ آن‌ها دلیلی بر ضد شما است و مانند آتش بدن شما را خواهد سوزانید. شما حتی تا این روزهای آخر هم به اندوختن ثروت مشغولید. ^۴ مزد کارگرانی که مزارع شما را درو کرده‌اند و شما آن‌ها را نپرداخته‌اید، علیه شما فریاد می‌کنند و ناله دروگران به گوش خداوند لشکرهای آسمانی رسیده

است.^۵ شما در روی زمین به عیش و نوش پرداخته‌اید و خود را مانند گوساله چاق برای روز ذبح آماده کرده‌اید.^۶ شخص عادل و نیک را ملامت کرده‌اید و در حالی که هیچ مقاومتی نمی‌کرد، او را کشتید.

صبر و دعا

^۷ ای برادران، تا روز ظهور خداوند صبر کنید. زارع برای برداشت محصول پُر ارزش زمین با صبر و شکیبایی منتظر باران‌های خزانی و بهاری می‌ماند.^۸ شما نیز صبر کنید و قوی دل باشید، زیرا آمدن خداوند نزدیک است.^۹ ای برادران، پشت سر دیگران از آن‌ها شکایت نکنید، مبادا خود شما ملامت شوید، چون داور عادل آماده داورى است.^{۱۰} ای برادران، صبر و تحمل انبیایی که به نام خداوند سخن می‌گفتند، برای شما نمونه باشد.^{۱۱} ما اشخاص صبور و پُر تحمل را خوشبخت می‌دانیم. شما درباره صبر و تحمل ایوب شنیده‌اید و می‌دانید خداوند آخر با او چه کرد. زیرا خداوند بی‌نهایت رحیم و مهربان است.

^{۱۲} ای برادران، از همه مهمتر این است که سوگند نخورید، نه به آسمان، نه به زمین و نه به هیچ چیز دیگر، بلکه بلی شما واقعاً بلی باشد و نه شما نه، مبادا محکوم شوید.

^{۱۳} پس اگر برای کسی از شما مصیبتی روی دهد، او دعا کند و اگر خوشحال است، سرود بخواند.^{۱۴} اگر کسی از شما بیمار است، از رهبران کلیسا بخواهد تا برای او دعا کنند و به نام خداوند بدن او را با روغن تدهین نمایند.^{۱۵} دعایی که از روی ایمان باشد، بیمار را نجات خواهد بخشید. خداوند او را از بستر بیماری بلند خواهد کرد و اگر مرتکب گناهی شده باشد، بخشیده خواهد شد.^{۱۶} نزد یکدیگر به گناهان خود اقرار نمائید و برای یکدیگر دعا کنید تا شفا یابید. دعای صمیمانه شخص عادل بسیار مؤثر است.^{۱۷} الیاس دارای عواطف و احساسات مانند خود ما بود، ولی وقتی از صمیم قلب دعا کرد که باران نیارد، سه سال و شش ماه در آن سرزمین باران نیارید.^{۱۸} دوباره دعا کرد و باران بارید و زمین بار دیگر محصول به بار آورد.

۱۹ ای برادران، اگر کسی از شما از حقیقت منحرف گردد و شخص دیگری او را برگرداند،
۲۰ یقین داشته باشید که هرکس گناهکاری را از راه نادرست بازگرداند، جانی را از مرگ خواهد
رهانید و گناهان بیشماری را خواهد پوشانید.